روی خط خبر

## چالش بازار ورق گرم آمریکا پس از تعرفه کانادا

بـازار ورق گرم فولادی آمریکا ممکن اسـت در پی گزارش‌های رسـانه‌ای مبنی بر احتمال توافـق تجاری با کانـادا که می‌تواند تعرفه‌هـای وارداتی آمریکا بر کانـادا را از ۵۰ درصد به ۲۵ درصد کاهش دهد، ممکن اسـت با بزرگ‌تریـن چالش ۱۰ ماهه مواجه شـود. با این حال، در همین حین شاخص آرگوس برای ورق گرم فولادی آمریکا در روز ۱۸ آگوست به بالاترین سطح بیش از ۴ سال رسید و پس از آن، در روزهای بعد بازار آتی و فیزیکی واکنش نشان دادند. شـاخص قیمت مؤسسه آرگوس (Argus) برای ورق گرم فولادی آمریکا در ۱۸ آگوسـت جهشـی ثبت کرد و برای سومین بار در تاریخ قیمتی خود، از سـطح ۱.۲۰۰ دلار در هر تن کوچک فراتر رفت. این رشـد قیمتی درسـت پیش از گزارش‌های خبری در روز ۱۹ آگوسـت رخ داد که از احتمال کاهش تعرفه‌های فولاد بـر واردات کانـاد از ۵۰ درصد به ۲۵ درصد خبر می‌داد. خبرهای مرتبـط با کاهش احتمالی تعرفه‌هـا بلافاصله تأثیر خود را بر بازار آتی نشان دادند؛ قراردادهای آتی معامله ورق گرم فولادی آمریکا در بـورس CME پس از رسـیدن قیمت‌هـای معاملات با موعد تحویل در فصل چهارم به بیشـینه جدید، در ابتدای هفته با فشار فروش شـدیدی مواجه شـدند. قرارداد با موعد تحویل اکتبر، در ۲۰ آگوسـت با قیمت ۱.۱۷۵ دلار بر تن کوچک بسـته شـد که ۵۰ دلار به‌ازای هر تن کوچک نسـبت به روز قبل کاهش داشـت. قراردادهـای نوامبر و دسـامبر به‌ترتیب با قیمـت ۱.۱۵۰ دلار و ۱.۱۳۱ دلار بـر تن کوچک معامله شـدند که کاهش‌هایی معادل ۵۸ دلار و ۵۶ دلار بـه‌ازای هـر تن کوچک را تجربه کردند. فروش نقـدی از سـوی کارخانجات داخلی برای ماه‌ها با مشـکل مواجه بوده اسـت؛ به‌طوری که افزایش تعهدات قراردادهای سالانه پس از جابه‌جایـی عرضه از کانادا و مکزیک و همچنین وقفه‌های تولید ناشـی از تعمیرات برنامه‌ریزی‌شـده یا غیرمنتظره، مانع از فراهم شـدن عرضه کافی برای پاسـخگویی به تقاضای خریداران شده اسـت. حتی با افـت منحنی قیمتی آتی، بـازار فیزیکی همچنان در حال بررسـی پیامدهای کاهش تعرفه‌ها بـرای قیمت‌گذاری و مذاکرات قراردادهای سـالانه اسـت که قرار اسـت طی ۳۰ روز آینده آغاز شود.

**کاهش تعرفه؛ فرصت یا تهدید برای بازار آمریکا؟**

براسـاس داده‌هـای وزارت بازرگانـی ایـالات متحـده (US Department of Commerce)، میانگیـن صـادرات محصـولات تخت فولادی کانادا به آمریکا بین سـال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۴ برابر با ۳.۸ میلیون تن در هر سـال بوده اسـت؛ این رقم در ۲۰۲۵ بـه ۲.۵ ملیون تن کاهش یافت و برای سـال جاری تا کنون (شـامل داده‌های اولیه مجوز برای July و August) تنها ۸۱۲,۳۴۳ تن گزارش شده است. منابع بازار می‌گویند در صورت کاهش تعرفه‌هـا به ۲۵ درصد، عرضه کانادایی قادر به بازگشـت خواهد بود، اما سـرعت بازگشت و مقدار عرضه همچنان از جمله بزرگ‌ترین ابهامات پیش رو هسـتند. برخی منابع خاطرنشـان کردند که بازگشـت عرضه کانادایی ممکن اسـت بیشـتر نقش «سوپاپ اطمینان» فشاری را ایفا کند تا اینکه باعث اصلاح قیمتی شـدید در بازار داخلی شـود. در همین حال، مرکزهای خدماتی گـزارش داده‌انـد به‌دلیل نبود عرضه نقدی داخلـی مجبور به رد سفارش‌های مشـتریان شده‌اند. افزون بر این، علاقه و تعهدات به بازار واردات برای تحویل در فصل چهارم ۲۰۲۶ و تا فصل اول ۲۰۲۷ در حال افزایش اسـت تا نیازهای تقاضا برآورده شود. در مجموع، بازگشـت عرضه کانادا در صورت تحقـق می‌تواند به مراکز توزیع کمک کند نیازهای مشتریان را تأمین کنند و در عین حال فرصتی برای کارخانجات داخلی فراهم آورد تا عقب‌ماندگی سفارش‌ها را جبران کنند؛ عقب‌ماندگی‌هایی که در طول سـال باعث تاخیر و اختلال در تحویل برخی از کالاها شـده اسـت. کاهش احتمالی تعرفه واردات فولاد کانادا، در شرایطی مطرح شده که بازار داخلی آمریکا با محدودیت عرضه و سـطح بالای قیمت‌ها مواجه اسـت. از این منظر، ورود دوباره بخشـی از عرضه کانادایی می‌تواند فشار موجود بر خریداران را کاهش دهد و به بازار فرصت دهد تا بخشی از کمبود ایجادشده در ماه‌های گذشته را جبران کند. با این حال، میزان اثرگذاری این اتفاق به سـرعت بازگشـت تولیدکنندگان و صادرکننـدگان کانادایی و همچنین ظرفیـت جذب بازار آمریکا بسـتگی خواهد داشت. در واقع، کاهش تعرفه لزوماً به معنای افت شـدید قیمت ورق گرم در آمریکا نیسـت. اگرچه افزایش عرضه خارجی می‌تواند قـدرت چانه‌زنی خریداران را بالا ببرد، اما تداوم تقاضا، وضعیت سـفارش‌های معوق و محدودیت ظرفیت برخی تولیدکننـدگان داخلی همچنان از قیمت‌ها حمایت خواهد کرد. بـه همین دلیل، فعالان بازار بیش از آنکه انتظار سـقوط قیمت‌ها را داشته باشند، احتمال می‌دهند کاهش تعرفه‌ها به تعدیل فشار قیمتی و افزایش انعطاف بازار منجر شود.

**قراردادهای سالانه در کانون توجه**

یکی از مهم‌ترین پیامدهای احتمالی توافق تجاری با کانادا، تاثیر آن بر مذاکرات قراردادهای سـالانه فـولاد خواهد بود. خریداران آمریکایی در شـرایطی وارد فصل مذاکره می‌شوند که قیمت‌های داخلی در سـطوح بالایـی قرار دارد و محدودیـت عرضه، یکی از دغدغه‌های اصلی آنهاسـت. در چنین شـرایطی، امکان بازگشت فـولاد کانادایی می‌تواند به خریداران یک گزینه جایگزین بدهد و موقعیت آنها را در مذاکرات تقویت کند.

از سـوی دیگـر، تولیدکننـدگان داخلی نیز بایـد میان حفظ قیمت‌های فعلی و جلوگیری از از دسـت دادن سـهم بازار تعادل ایجاد کنند. اگر عرضه کانادا با سـرعت بیشتری به بازار بازگردد، احتمال دارد کارخانه‌های آمریکایی برای حفظ مشـتریان خود، سیاست‌های انعطاف‌پذیرتری در قراردادهای جدید اتخاذ کنند. بنابراین، اثر تعرفه تنها در قیمت نقدی خلاصه نمی‌شود و می‌تواند ساختار قراردادهای تجاری فولاد را نیز تحت تاثیر قرار دهد.

**چشم‌انداز بازار همچنان مبهم است**

در مجموع، بازار ورق گرم فولادی آمریکا در مقطع حساسی قرار گرفته است. از یک‌سو، قیمت‌ها پس از رشد قابل توجه در ماه‌های گذشته به سطوح بالایی رسیده‌اند و از سوی دیگر، احتمال افزایش عرضـه خارجی می‌تواند معادلات بـازار را تغییر دهد. با این حال، هنوز مشـخص نیسـت توافق احتمالی با کانادا چه زمانی نهایی می‌شـود و بازگشت عرضه این کشـور با چه سرعتی انجام خواهد گرفت.

بـه همین دلیل، فعالان بازار در کوتاه‌مـدت احتمالاً با احتیاط بیشـتری رفتار خواهند کرد. خریداران ممکن اسـت بخشـی از نیازهای خـود را به امید کاهش قیمت‌ها بـه تعویق بیندازند، در حالی کـه مراکز خدماتـی و توزیع‌کنندگان تـلاش می‌کنند از فرصت ایجادشـده برای تامین موجودی اسـتفاده کنند. در این میان، عملکرد تولیدکنندگان داخلی و میزان عرضه کانادا دو عامل کلیدی برای تعیین مسیر قیمت‌ها در ماه‌های آینده خواهند بود.

صمت در ترجمه اختصاصی بررسی می‌کند؛

# آفریقا به‌دنبال تبدیل ذخایر معدنی به قدرت اقتصادی

گروه معدن
editor@smtnews.ir

**رقابت جهانی بر سـر مـواد معدنی حیاتی، اهمیت اقتصـادی و ژئوپلیتیکی ذخایر معدنی آفریقا را بیش از گذشته آشکار کرده است. این قاره با در اختیار داشتن بخش قابل‌توجهی از ذخایر مواد معدنی راهبردی، ظرفیت بالایی برای تبدیل‌شدن به یکی از قطب‌های اصلی زنجیره تامین جهانی دارد؛ با این حال، ضعف زیرساخت‌ها، کمبود سـرمایه‌گذاری و وابسـتگی به فناوری و فرآوری خارجی همچنـان مانع تبدیل این ظرفیت به ارزش‌افزوده پایدار شده است.**

**در چنین شـرایطی، ایده ایجاد یک سـازوکار مالی با پشـتوانه مواد معدنی حیاتی می‌توانـد راهـی برای اسـتفاده موثرتر کشـورهای آفریقایی از ثـروت معدنی خود باشـد؛ سـازوکاری که در صورت اجرای درست، امکان جذب سرمایه، توسعه صنایع پایین‌دستی و تقویت همکاری‌های معدنی میان کشورهای این قاره را فراهم می‌کند. صمت در این گزارش ابعاد این طرح، ظرفیت‌های معدنی آفریقا و چالش‌های پیش‌روی این قاره برای تبدیل‌شـدن به بازیگری اثرگذار در بازار جهانی مواد معدنی حیاتی را بررسی می‌کند.**

## آفریقا در تلاش برای بهره‌برداری از ثروت معدنی خود

طـرح ایجاد یـک ارز غیرقابل‌گردش با پشـتوانه مـواد معدنی حیاتـی، با هدف یکپارچه‌سـازی بخش معدن در سراسـر آفریقا مطرح شـده اسـت. آفریقا حدود ۳۰ درصد از ذخایر مواد معدنی حیاتی جهان را در اختیار دارد و از این رو، نقشی تعیین‌کننده در صنعتی‌سازی سبز و گذار جهانی انرژی ایفا می‌کند.

بـا این حال، ایـن قاره باوجـود جایگاه خود به‌عنـوان یکی از تامین‌کنندگان اصلی مواد معدنی، هنوز نتوانسـته زنجیره ارزش قدرتمنـدی را برای بهره‌بـرداری اقتصادی از ایـن ثروت معدنی ایجـاد کند. کمتر از ۵ درصد مواد معدنی حیاتی آفریقا در داخل این قاره فرآوری می‌شـوند و بخش عمده ارزش‌افزوده در خارج از آفریقا، به‌ویژه در چین که بر صنعت پالایش مواد معدنی تسـلط دارد، ایجـاد می‌شـود. در واکنش به این شـکاف، درخواسـت‌ها برای همکاری میان کشـورهای آفریقایی و صنایع معدنی آنها در سال‌های اخیر افزایش یافته است.

گزارشی که توسط بانک توسـعه آفریقا (AfDB) و KPMG آفریقای جنوبی تهیه شـده، سـازوکاری برای تبدیل‌پذیری پولی پیشـنهاد می‌کند که براسـاس آن کشـورهای مشـارکت‌کننده درصـدی از پیـش تعیین‌شـده از مـواد معدنی حیاتـی خود را در یک سـبد مشـترک قرار دهند و از این پشـتوانه برای جذب سـرمایه‌گذاری در حوزه انرژی و سـایر زیرساخت‌های توسعه‌ای اسـتفاده کنند. با ایـن حال، موانع قابل‌توجهی بر سـر راه ایجاد یـک زنجیره ارزش یکپارچه مـواد معدنی حیاتی در آفریقا وجود دارد؛ از کمبـود زیرسـاخت و نیروی انسـانی متخصص گرفته تا چالش‌های زیسـت‌محیطی، اجتماعی و حکمرانـی (ESG). در همین راستا، MINE سازوکار پیشنهادی پولی و ظرفیت آفریقا برای تبدیل‌شـدن به یک قدرت مسـتقل در حـوزه مواد معدنی حیاتی را بررسی کرده است.

## چالش‌های توسعه مواد معدنی حیاتی در آفریقا

مواد معدنی حیاتـی به یکی از میدان‌های فعال رقابت در قاره آفریقا تبدیل شده‌اند و قدرت‌های اقتصادی جهان برای دستیابی و مالکیت ذخایر ارزشـمند این مواد بـا یکدیگر رقابت می‌کنند. مهم‌تریـن منابـع معدنـی حیاتـی آفریقا شـامل کبالت، مس، گرافیـت، لیتیوم، منگنز و نیکل اسـت. «اولیمپیـا پیلچ»، مدیر ارشد استراتژی گروه Critical Minerals Africa، می‌گوید بخـش عمده معدن‌کاری مـواد معدنی حیاتـی در آفریقا تحت مالکیت چین قرار دارد، در حالی که سـرمایه‌گذاری غرب عمدتاً بـر مواد معدنی سـنتی متمرکز بوده اسـت؛ وضعیتی که نوعی وابسـتگی ایجاد کـرده و در برخی موارد به بهره‌کشـی از منابع آفریقا منجر شـده است. چین طی سـال‌های گذشته میلیاردها دلار در عملیات معدنی آفریقا سرمایه‌گذاری کرده است. شرکت مـادر MINE یعنـی GlobalData نیز تاکیـد کرده که این سرمایه‌گذاری‌ها در ساخت زیرساخت‌های حیاتی و انتقال دانش تخصصـی به جوامع آفریقایی نقش داشـته‌اند. در مقابل، امریکا نیز به‌عنوان رقیب اصلی چین، علاقه خود به مواد معدنی حیاتی آفریقا را افزایش داده اسـت. از ماه مارس، واشـنگتن مذاکراتی را بـا جمهوری دموکراتیـک کنگو (DRC) برای دسـتیابی به توافقـی انحصاری در زمینه مبادله مـواد معدنی در برابر امنیت آغـاز کـرده اسـت؛ اقدامی که با هـدف مقابله با نفـوذ چین و تنوع‌بخشـی به منابع تامین انجام می‌شود. در سوی دیگر، اروپا نیز سـرمایه‌گذاری خود را با تمرکز بـر معیارهای ESG دنبال می‌کند. یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها، برنامه Global Gateway بـه ارزش ۳۰۰ میلیارد یورو اسـت. با این حال، شـورای روابط خارجی اروپا اخیراً از اتحادیه اروپا خواسته است رویکرد «اولویت مطلق ESG» خـود را تعدیل کند تا در رقابت با دیگر قدرت‌ها در آفریقـا عقب نماند. با وجود افزایش تحرک قدرت‌های بزرگ، آفریقا هنوز نتوانسته از ثروت مواد معدنی حیاتی خود در مقیاس کلان اقتصـادی بهره‌برداری کند. «فرانـک بلکمور»، اقتصاددان ارشـد KPMG آفریقای جنوبی، معتقد است آفریقا در بسیاری از شـاخص‌ها، به‌ویژه در حوزه زیرسـاخت، عقب است. به گفته او، توسـعه برق‌رسـانی برای مصارف عمومـی و صنعتی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های نیازمند توسـعه در این قاره اسـت. «جاشوا چارلز»، مدیرعامل شرکت تحقیقاتی سرمایه‌گذاری Frontier Dominion، نیـز می‌گوید کمبود زیرسـاخت عمدتاً در قالب جاده‌هـا، بنادر و شـبکه تامین انرژی نامناسـب خود را نشـان می‌دهد؛ مشکلاتی که دسترسی به مناطق غنی از مواد معدنی در مناطق روستایی و دورافتاده را محدود کرده است. کمبود نیروی متخصص نیز بر این مشـکلات افزوده اسـت. تحقیقات سازمان همکاری و توسـعه اقتصادی (OECD) نشـان می‌دهد کمبود نیروی کار ماهـر در جنوب و مرکز آفریقا، توسـعه فعالیت‌های معدنـی و ایجاد اشـتغال را با محدودیت مواجه کرده اسـت. در یک نظرسنجی اخیر GlobalData نیز بیشتر پاسخ‌دهندگان، بهبود زیرسـاخت‌ها و تامین منابع مالی را مهم‌ترین چالش‌های پیش روی توسعه مواد معدنی حیاتی در آفریقا عنوان کرده‌اند.

> مواد معدنی حیاتی به یکی از میدان‌های فعال رقابت در قاره آفریقا تبدیل شده‌اند و قدرت‌های اقتصادی جهان برای دستیابی و مالکیت ذخایر ارزشمند این مواد با یکدیگر رقابت می‌کنند

## افزایش ملی‌گرایی معدنی در آفریقا

در سـال‌های اخیر تحول مهمی در بخش معدن آفریقا شـکل گرفته است؛ کشـورهای این قاره بیش از گذشته تلاش می‌کنند کنترل منابع مواد معدنی حیاتی خود را در اختیار بگیرند و از تخصص و تامین‌کنندگان داخلی استفاده کنند.

در اجلاس EIT RawMaterials در بروکسل که ۱۳ تا ۱۵ مه برگزار شد، MINE با «الکساندرا چولوا»، مدیر سرمایه‌گذاری و توسعه شرکت Luma Holding، گفت‌وگو کرد. این شـرکت در رواندا دارایی‌هایی از جمله یک واحد بزرگ ذوب قلع و تانتالوم دارد که محصولات خود را به بازارهای اروپا و امریکا عرضه می‌کند.

چولـوا می‌گوید آفریقا همواره به‌عنوان محلی برای ذخیره مواد معدنی و ارسـال آنها به سـایر نقاط جهان مورد اسـتفاده قرار گرفته اسـت. به اعتقاد او، آفریقا می‌تواند با در اختیار داشـتن ابزارهای مناسـب، منبعی پایدار برای تامین مواد معدنی جهان باشـد، اما این روابط باید بر مبنای مشارکت برابر شکل بگیرد.

در همیـن راسـتا، بانک توسـعه آفریقـا و KPMG آفریقای جنوبی پیشنهاد داده‌اند کشورهای مشارکت‌کننده منابع معدنی خود را در قالب یک سـبد کالایی مشترک تجمیع کنند؛ سـازوکاری که می‌تواند منافع بیشتری برای کشورهای آفریقایی ایجاد کند و همزمان منابع مالی لازم برای پروژه‌های بلندمدت گذار انرژی را فراهم سازد.

**پیشنهاد ایجاد ارز کالایی آفریقا**

براسـاس این پیشنهاد، کشورهای مشـارکت‌کننده درصدی از ذخایر اثبات‌شـده مواد معدنی خود را در یک سبد مشترک قرار می‌دهند. این سـازوکار که با عنوان واحدهای حسـاب آفریقایی (African Units of Account) نیز شـناخته می‌شـود، با هدف تقویت یکپارچگی مالی منطقه‌ای، همکاری اقتصادی و تجارت فرامرزی طراحی شـده است. در این گـزارش، برای توضیح این مدل، از شـاخص S&P ۵۰۰ در امریکا به‌عنوان یک نمونه قابل مقایسـه و از نظام اسـتاندارد طلا به‌عنوان یک سابقه تاریخی استفاده شده است.

با این حال، اولیمپیا پیلچ نسبت به این مدل انتقاد دارد و معتقد است ایـن طرح بـه این واقعیت توجه کافی ندارد که بسـیاری از مواد معدنی حیاتـی، به دلیل نبود قابلیـت جایگزینی کامل، اساسـاً مانند کالاهای اسـتاندارد و قابل‌مبادلـه عمل نمی‌کنند. او تاکیـد می‌کند که در حالی که ارزهای دارای پشـتوانه طلا می‌توانند ثبات ایجاد کنند، مواد معدنی حیاتی ممکن اسـت نتیجه‌ای کاملاً متفاوت داشته باشند و الزاماً چنین ثباتی را فراهم نکنند.

مواد معدنی انتخاب‌شـده برای قرار گرفتن در این سـازوکار براسـاس «انتظار از ارزش آینده» تعیین شده‌اند و در این میان، مس، کبالت، نیکل و لیتیوم در کانون توجه قرار دارند. «اوگوست کلود-نگوتسوپ»، شریک KPMG و رئیـس بخـش خدمات مالی این شـرکت در جنوب آفریقا، می‌گوید معیار انتخاب این مواد شامل میزان تقاضا، موقعیت جغرافیایی، اندازه ذخایر و میزان دسترسـی به منابع اسـت؛ منابعـی که می‌توانند به‌عنوان وثیقه برای تامین مالی بلندمدت اهداف توسعه راهبردی آفریقا مورد استفاده قرار گیرند.

**مزایا، چالش‌ها و برنامه اجرای آزمایشی**

یکی از پیامدهای احتمالی ایجاد این سبد مواد معدنی، علاوه بر کاهش ریسک ارزی و تسهیل دریافت تسهیلات بلندمدت برای پروژه‌های انرژی پاک، افزایش انگیزه برای اکتشـاف و اسـتخراج منابع طبیعی در داخل آفریقا خواهد بود.

بلکمور معتقد اسـت این مدل می‌تواند فعالیت‌های معدنی در آفریقا را تحریک کند و در ادامه، اثرات زنجیره‌ای آن به هماهنگ‌سازی فرآیندها و مقررات معدنی در کشـورهای مختلف منجر شـود. بـه باور بلکمور و کلود-نگوتسـوپ، این سازوکار و نقش بانک توسعه آفریقا به‌عنوان عامل تسویه می‌تواند شفافیت قراردادهای سرمایه‌گذاری معدنی میان کشورها را افزایش دهد و محیط کسـب‌وکار باثبات‌تـری ایجاد کند. با این حال، چالش‌هـای قابل‌توجهی نیز وجود دارد که مقیاس قاره‌ای این طرح آنها را پیچیده‌تر می‌کند.

جاشـوا چارلز تاکید می‌کند اجرای این طرح زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که یک هیات مسـتقل مواد معدنی آفریقا به‌صورت دوره‌ای عملکرد آن را بررسی کند. این نهاد باید با هماهنگی بانک توسعه آفریقا اطمینان حاصل کند که سبد مواد معدنی می‌تواند به ثبات تامین مالی و دسترسی به نرخ‌های عادلانه منجر شود.

در مقابل، چولوا نگاه مثبتی به این طرح دارد و آن را بسیار بلندپروازانه توصیـف می‌کند؛ هرچند معتقد اسـت بـرای اجـرای آن، گفت‌وگوی بیشـتری میان دولت‌ها، بخش معدن، صنایع پایین‌دستی و بالادستی و موسسات مالی ضروری اسـت. کلود-نگوتسوپ نیز اذعان دارد که جلب حمایت رهبران سیاسـی و اقتصادی برای موفقیت این سـازوکار حیاتی خواهد بود. بلکمور نیز می‌گوید بسته به شرایط هر کشور، ممکن است در جابه‌جایی محصولات معدنی به داخل و خارج برخی کشـورها مشکلات عملیاتی وجود داشـته باشد، اما با ورود این سازوکار به اقتصادها، امکان آزادسازی و تسهیل عملیات نیز افزایش خواهد یافت.

او تایید کرده اسـت که بانک توسعه آفریقا در حال حاضر روی اجرای آزمایشـی این سـبد معدنی کار می‌کند و انتخاب کشـور مناسب برای اجرای مطالعه اولیه، پیش از گسترش آن در سراسر قاره، در حال بررسی است.

**سایه چین بر ارز معدنی آفریقا**

هرگونه تغییر در چشـم‌انداز مواد معدنـی حیاتی آفریقا، بدون در نظر گرفتن نقش چین قابل بررسـی نیست. اولیمپیا پیلچ هشدار می‌دهد که هرگونـه ارز مبتنی بر مواد معدنی حیاتی ممکن اسـت در نهایت تحت تاثیر تصمیمات چین قرار گیرد و این کشور بتواند از وابستگی آفریقا به بازار و زنجیره‌های تامین خود برای اعمال فشار سیاسی استفاده کند.

این نگرانی از آن جهت اهمیت دارد که چین در بسـیاری از حلقه‌های زنجیره ارزش مواد معدنی حیاتی آفریقا، به‌ویژه فرآوری و پالایش، حضور گسـترده‌ای دارد. بنابراین، ایجاد یک سازوکار پولی مستقل بدون ایجاد ظرفیت‌های داخلی برای فرآوری و ارزش‌افزایی، ممکن اسـت همچنان آفریقا را به بازیگران خارجی وابسته نگه دارد.

**مواد معدنی حیاتی و آینده امنیت آفریقا**

در سـال‌های اخیر، اقدامات بیشتری برای اصلاح ساختار بخش معدن و منابع طبیعی آفریقا با تمرکز بر منافع کشـورهای این قاره انجام شده اسـت. در صورت اجرایی‌شدن، سبد مواد معدنی حیاتی می‌تواند در کنار ابتکارهای موجود مانند چشـم‌انداز معدن آفریقـا (Africa Mining Vision) فعالیت کند؛ برنامه‌ای که اتحادیه آفریقا در سال ۲۰۰۹ ایجاد کـرد و بـر مدیریت عادلانه و پایدار منابع معدنـی تاکید دارد. این طرح همچنین می‌توانـد با چارچوب‌های جدیدتری مانند راهبرد مواد معدنی سـبز اتحادیه آفریقا و بانک توسـعه آفریقا همراه شود. این راهبرد چهار اولویت اصلی دارد: توسـعه مواد معدنی، ارتقای توانمندی‌های انسانی و فنـاوری، ایجاد زنجیره‌هـای ارزش معدنی و تقویت حکمرانی و حفاظت مسئولانه از منابع.

بلکمور معتقد اسـت در آینده امکان آن وجود دارد که این سازوکار به کالاهای گسـترده‌تری از جمله فلزات گرانبها نیز تسری پیدا کند، اما در شـرایط فعلی، ارتباط میان مواد معدنی حیاتی و توسعه آفریقا از فوریت بیشتری برخوردار است.

**آفریقا در رقابت جهانی مواد معدنی**

به باور چارلز، در سال‌های آینده سرمایه‌گذاری در مواد معدنی حیاتی آفریقا افزایش خواهـد یافت؛ چراکه اهمیت ژئوپلیتیکی این منابع رو به رشد است. در همین راسـتا، همکاری منطقه‌ای با نهادهایی مانند بانک توسـعه آفریقا و بانک جهانی و همچنین مشارکت‌های چندجانبه میان امریکا، اتحادیه اروپا و سـایر بلوک‌های منطقه‌ای نیز می‌تواند گسـترش پیدا کند.

نتایـج یک نظرسـنجی در وب‌سـایت Mining Technology در ماه‌هـای آوریل و مه نشـان داد ۸۲ درصد از پاسـخ‌دهندگان معتقدند آفریقا در رقابت جهانی بر سر مواد معدنی حیاتی، نقشی «بسیار مهم» یا «کاملاً تعیین‌کننده» خواهد داشت. از این میان، ۵۷ درصد نقش آفریقا را «بسـیار مهـم» و ۲۵ درصد آن را «کاملاً مهـم» ارزیابی کرده‌اند؛ در حالی که تنها ۷ درصد معتقد بودند نقش این قاره «اصلاً مهم نیست».

چولوا نیز ابراز امیدواری کرده است که ارزش‌افزوده بیشتری در آفریقا، به‌ویژه در بخش پایین‌دسـتی، ایجاد شود. به گفته او، آفریقا تقریباً آماده ورود به این مرحله اسـت و مانعی برای تحقق آن وجود ندارد، اما تامین مالی، ظرفیت‌سـازی و آموزش همچنان ضروری است. او تاکید می‌کند که آفریقا از ظرفیت عظیمی برای حفظ و گسترش جایگاه خود در بازار جهانـی منابع طبیعی برخوردار اسـت و می‌تواند با اتخاذ سیاسـت‌های راهبردی، توسـعه زیرسـاخت‌ها و ایجاد مشـارکت‌های متـوازن، ثروت طبیعی خود را به موتور محرک توسعه فراگیر و پایدار تبدیل کند.

> معدنی انتخاب‌شده برای قرار گرفتن در این سازوکار بر اساس «انتظار از ارزش آینده» تعیین شده‌اند و در این میان، مس، کبالت، نیکل و لیتیوم در کانون توجه قرار دارند

## سخن پایانی

در نهایـت، برخـورداری از ذخایـر گسـترده مواد معدنـی حیاتی به‌تنهایـی نمی‌تواند جایگاه آفریقـا را در اقتصاد جهانی تضمین کند. آنچـه می‌تواند این ظرفیت را به یـک مزیت پایدار تبدیل کند، ایجاد زیرساخت‌های مناسـب، جذب سرمایه‌گذاری، توسعه صنایع فرآوری و افزایش سـهم کشـورهای آفریقایی از ارزش‌افـزوده زنجیره معدن اسـت. ایجاد سـازوکارهای مالی مشـترک نیز در صورت برخورداری از چارچوب شـفاف و مدیریت کارآمـد، می‌تواند به تامین منابع مورد نیاز بـرای تحقق این هدف کمک کند. با ایـن حال، موفقیت چنین طرح‌هایی در نهایت به توانایی کشـورهای آفریقایی برای هماهنگی، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و تبدیل ثروت معدنی به توسعه صنعتی وابسته خواهد بود؛ موضوعی که صمت نیز در بررسی جایگاه آفریقا در زنجیره جهانی مواد معدنی حیاتی بر آن تاکید دارد.